



Islamic Religious Branches Views in Proving the Punishment of Adultery

Mahrokh Allahyari ¹, Ali Faghihi ^{*2}, Akbar Fallah ³

1. PhD Student, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 81-88

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-0080-698X

TELL: +989111125032

Email: Faghihi2021@yahoo.com

Article history:

Received: 15 Jun 2021

Revised: 06 Aug 2021

Accepted: 14 Aug 2021

Published online: 23 Sep 2021

Keywords:

Punishment,
Adultery,
Islamic Branches.

ABSTRACT

One of the most essential issues for the implementation of the penal provisions of Islam, including the Hadd of adultery, is to prove it. Due to the problem of adultery in today's society and the existence of differences in the jurisprudential opinions of Islamic religion branches, the question arises as to how the Islamic religions agree or disagree in proving the extent of adultery? In this article, using the library review method, the researcher has stated the way to prove the extent of adultery between the five religions and then, he has applied to match its arguments. In Imami criminal jurisprudence, proof of the Hadd for adulterer is realized through four times confession of the guilty or the testimony of the witnesses and also among the Sunnis, all of them agree to prove the crime of adultery through the confession of the adulterer and adulteress, as well as the testimony of the witnesses. Despite the differences between the religion branches, the Fatwas of the Imami and Sunni jurists do not differ in general, but in most cases there is a consensus.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2021 The Authors.

How to Cite This Article: Allahyari, M; Faghihi, A & Fallah, A (2021). "Islamic Religious Branches Views in Proving the Punishment of Adultery". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 1(3): 81-88.



دوره اول، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰

تطبیق فقهی دیدگاه مذاهب اسلامی در اثبات مجازات زنا

ماهرخ الهیاری^۱، علی فقیهی^{۲*}، اکبر فلاح^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۸۱-۸۸

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۶۹۸۸-۰۰۰۸-۰۰۰۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۱۱۱۲۵۰۳۲

ایمیل: Faghihi2021@yahoo.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۵

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

مجازات، زنا، مذاهب اسلامی.

یکی از ضروری‌ترین مسائل برای اجرای احکام جزایی اسلام از جمله حدزنا اثبات آن است؛ با توجه به متلاطم بودن مسأله زنا در جامعه امروزی و وجود اختلافات در آرای فقهی مذاهب اسلامی، این سؤال مطرح می‌شود که مذاهب اسلامی در اثبات حد زنا از چه نظر اتفاق یا اختلاف نظر دارند؟ اثبات حد برای زناکار در فقه جزایی امامیه از طریق چهار بار اقرار مجرم یا شهادت شهود و در نزد اهل سنت نیز، به‌طور کلی برای اثبات جرم زنا از طریق اقرار زانی وزانیه و شهادت شهود اتفاق نظر دارند. با وجود اختلاف نظر بین مذاهب، فتاوی فقهی امامیه و اهل سنت تباین کلی نداشته، بلکه در بیشتر موارد اتفاق نظر وجود دارد.



مقدمه

پیشگیری از ارتکاب زنا در جامعه امروز می‌تواند در سبک زندگی افراد اثر بگذارد و باعث کاهش فساد در سازمان اجتماعی شود. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده است: «زنا صفا و نورانیت را از انسان می‌گیرد، و فقر را به ارث می‌گذارد (یعنی باعث فقر می‌شود) زیرا انسان را بی‌آبرو کرده و موجب می‌شود، خداوند، روزی او را قطع نماید و تسریع در نابودی انسان‌ها می‌کند.» (ابن بابویه قمی، ۱۴۰۴: ۲۱/۴)

چنانچه زنا در کل جامعه انسانی مجاز گردد و ازدواج برچیده شود، فرزندان بی‌هویتی که در چنین شرایطی متولد شوند تحت پوشش حمایت کسی نخواهند بود، چه در آغاز تولد و چه به هنگام بزرگ شدن. از این گذشته از عنصر محبت که نقش تعیین کننده‌ای در مبارزه با جنایت‌ها و خشونت‌ها دارد محروم می‌شوند، و جامعه انسانی به یک جامعه کاملاً حیوانی توأم با خشونت در همه ابعاد، تبدیل می‌گردد.

پیامد زنا غالباً سقط جنین و کشتن فرزندان است که موجب قطع نسل می‌گردد، مخصوصاً در شرایط فعلی که موضوع افزایش جمعیت بسیار مهم بوده و در صورتی که رابطه زن و مرد بر اساس ازدواج شرعی باشد، مادر حفظ فرزندش خواهد بود در حالی که زنان در رابطه نامشروع اصولاً وجود فرزند را مانع بزرگی بر سر راه ادامه اعمال شومشان می‌بینند، ثمر و حاصل چنین رابطه‌ای، فرزندان سنگدل، جنایت‌کار، بی‌شخصیت و فاقد همه چیز خواهد بود. حتی نگهداری و تربیت صحیح چنین فرزندان در مؤسساتی زیر نظر دولت دور از انتظار است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۲/۱۰۴)

بنابراین با توجه به خصوصیت جرایم و مجازات در باب حدود برای اعمال مجازات به عنوان قوه بازدارنده از جرم و تأدیب و تنبیه شخص مجرم، اثبات جرم از اهمیت بالایی برخوردار است. این پژوهش بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای بین کتب

معتبر مذاهب اسلامی و مقاله‌های مرتبط با موضوع و با روش تحلیلی-توصیفی صورت گرفته است.

۱- مفهوم شناسی زنا

۱-۱- مفهوم زنا از دیدگاه فقهای امامیه

زنا در لغت، با الف ممدوده و با الف مقصوره، مجامعت نامشروع زن با مرد وهمچنین زن با مرد است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۵۹/۱۴) زنا در اصطلاح شرع عبارت است از رابطه جنسی زن و مرد (با شرایط ذکرشده در فقه و حقوق)، بدون آنکه بین آن دو عقد ازدواجی واقع شده باشد یا مرد مالک زن باشد یا شبهه عقد یا ملک وجود داشته باشد. (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۴۳۳/۱۵؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶: ۳۴۴) همین نظر مورد پذیرش مقنن کیفری ایران قرار گرفته است. طبق ماده ۲۲۱ قانون مجازات اسلامی «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آنها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد.»

۱-۲- مفهوم زنا از دیدگاه فقهای مذاهب اربعه

فقهای اهل سنت تعاریف مختلفی در متن از زنا آورده‌اند ولی در محتوا اختلافی بین مذاهب اسلامی وجود ندارد. (بهوتی، ۱۴۱۸: ۱۱۴/۶؛ ابن قدامه، بی‌تا: ۱۰/۱۵۲؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۱۴۴/۴)

به نظر می‌رسد تعریف فقیه حنفی، جامع و کامل باشد: «زنا اسمی است برای هرگونه نزدیکی حرام که در قُبُل زنی زنده و در حالت اختیار و در کشوری اسلامی از سوی کسی که ملتزم به احکام اسلامی است، انجام پذیرد.» (کاسانی، ۱۴۰۹: ۳۴/۷)

۲- طرق اثبات زنا

بین فقهای امامیه بدون هیچ‌گونه اختلاف و اشکالی زنا به وسیله اقرار یا بینة اثبات می‌شود، زیرا ادله ثبوت زنا به وسیله این دو عمومیت دارند. فقهای اهل سنت هم در حجیت بینة و اقرار مجرم برای اثبات جرایم جنسی، و از جمله زنا، اتفاق نظر

دارند. (قرطبی، ۱۴۱۵: ۳۵۹/۲؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۴/ ۱۴۹؛ ابن قدامه، بی تا: ۱۷۵/۱۰)

۲-۱- اثبات زنا با اقرار

۲-۱-۱- دفعات اقرار

فقه‌های امامیه در مورد تعداد اقرار که باید چهار مرتبه باشد اختلافی ندارند؛ ولی در مورد این که چهار بار اقرار در یک جلسه باشد یا در جلسات مختلف اختلاف نظر دارند. بیشترین اختلاف نظر ایشان جایی است که فقها از اطلاق ادله برداشت‌های مختلفی کرده‌اند. در بیشتر موارد دلیلشان اجماع و ادله فقه‌ای (استصحاب، براءت) است. (نجفی، ۱۴۰۵: ۲۷۹/۴۲)

بدون اختلاف قابل توجهی چهار بار اقرار مورد قبول فقه‌های امامیه است و در میان فقه‌های ما یک بار اقرار کردن به ظاهر کلام ابن عقیل نسبت داده شده است و شکی در ضعف این نظر وجود ندارد؛ چرا که روایات فریقین بر خلاف این نظر هستند. (حلی، ۱۴۱۳: ۷۶۳؛ ازدی سجستانی، ۱۴۱۹: ۴/ ۱۴۸)

اگر کسی کمتر از چهار بار اقرار به زنا کند حدّ بر او واجب نمی‌شود، لکن از فقها نقل شده است: واجب است تا تعزیر گردد، زیرا ادله‌ای که بر اساس آن اقرار شخص علیه خودش پذیرفته می‌شود، عمومیت داشته و در مورد چهار بار اقرار برای اجرای حدّ زنا به دلیل اجماع و روایات استثنا وجود دارد، و گرنه شخص مقرّ به زنا حتی با یک بار اقرار نیز گناهکار و فاسق است. (عکبری بغدادی، ۱۴۱۳: ۷۷۵؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۳/ ۴۲۹)

بین فقه‌های امامیه در مورد این که چهار بار اقرار در مجلس واحدی باشد یا چهار مجلس اختلاف نظر وجود دارد. به این صورت که اگر اقرارکننده چهار بار در مجلس واحدی اقرار کند، از نظر برخی از فقها زنا ثابت نمی‌شود، بلکه از کلام شیخ طوسی اجماع بر این نظر استظهار می‌شود؛ چراکه تعداد

اقرارها در مجالس متعدّد نزد پیامبر اکرم (ص) و امام علی (ع) واقع شده است. (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۷۷/۵؛ طوسی، ۱۳۷۸: ۱۱۴/۸)

فقه‌های اهل سنت در خصوص تعداد و دفعات اقرار مجرم اختلاف نظر دارند. از بیشتر فقه‌های عامه یک بار اقرار نقل شده است. (قرطبی، ۱۴۱۵: ۴۳۸) شافعی و مالک یک اقرار مجرم را کافی می‌دانند. (مالکی، ۱۹۹۴: ۵۸/ ۱۲؛ شوکانی، ۱۲۵۵: ۲۶۲/۷؛ ابوالبرکات، بی تا: ۳۱۸/۴؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۱۵۰) و معتقدند حضور چهار نفر در شهادت شهود به این سبب است که موجب اطمینان قلبی و آرامش خاطر شود؛ همچنان که در شهادت شهود خبری علیه دیگران داده می‌شود. در حالی که در اقرار، شخص علیه خود خبر می‌دهد و یک بار کافی است. (بارعی و زیعلی، ۱۳۱۳: ۱۶۷/۲) حتی اگر کافر ذمی یکبار اقرار به زنا کند، زنا او ثابت می‌شود. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۹۷/۹)

ولی حنفیه و حنبله به لزوم چهار اقرار در چهار مجلس متعدّد نظر داده‌اند. (ابن قدامه، بی تا: ۸۹/۴؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ۹۳/۹؛ قرطبی، ۱۴۱۵: ۳۵۹) اساس استدلال آنان روایاتی است که در آن‌ها، مجازات رجم پس از چند بار اقرار مجرم اجرا شده است. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۹۱) در حالی که طرفداران لزوم یک اقرار معتقدند:

اولاً روایاتی از پیامبر (ص) وارد شده که در جریان دستگیری زنی به اتهام زنا به اصحابش فرمود: «اگر این زن اعتراف کرد، او را رجم کنید». یا در دیگر روایات هم تعداد اقرار را شرط نکرد. بنابراین اقرار و شهادت تفاوت‌هایی باهم دارند که نمی‌توان تعدّد شهادت را به اقرار تسری داد، مثلاً در شهادت، عدالت شهود شرط است، ولی در اقرار، عدالت مقرّ شرط نیست. همچنین، در شهادت شهود، الفاظ مکرر شرط است، زیرا با تعدّد شهادت اطمینان قلب به دست می‌آید، در حالی که با

تکرار کلام مقرّ چیزی بر محتوا و صحت و سقم اقرار افزوده نمی‌شود. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۹۱)

ثانیاً پیامبر (ص) از ماعز روی برگرداند، نه به این دلیل که او چهار بار اقرار کند، بلکه حدس می‌زد ماعز دیوانه شده باشد و در عقل او تردید کرده بود. (شریینی، ۱۳۷۷: ۵۰/۴؛ انصاری، ۱۴۱۸: ۱۹۲)

۲-۱-۲- شرایط اقرار کننده

در اقرار شرط است که اقرارکننده بالغ باشد، بنابراین اعتباری برای اقرار بچه وجود ندارد، حتی اگر مراهق (نزدیک به بلوغ) باشد، لکن به خاطر دروغ‌گویی یا انجام زنا تأدیب می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۵: ۲۸۰/۴۲) اقرارکننده از نظر عقلی باید دارای کمال باشد، بنابراین اعتباری برای اقرار دیوانه در حال جنونش وجود ندارد. اگر در حال افاقه اقرار کند و بعد از آن معلوم شود که عقلش کامل است، حدّ بر او جاری می‌شود. در غیر این صورت حدی بر او نیست. (نجفی، ۱۴۰۵: ۲۸۰/۴۲)

از نظر فقهای امامیه بدون هیچ اختلاف و اشکالی اقرار شخصی که مجبور به اقرار شده صحیح نیست. همان‌طور که در روایتی حسن که ابوالبختری از امیرالمومنین (ع) نقل کرده آمده است: «هرکس به خاطر عریان کردن یا حبس یا ترسانیدن یا تهدید اقرار کند، حدّ بر او جاری نمی‌شود». (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۸۵/۲۳) همچنین اقرار شخص مست و خواب و درحال سهو و غافل و امثال آن‌ها اعتباری ندارند. (نجفی، ۱۴۰۵: ۲۸۱/۴۲)

از دیدگاه فقهای اهل سنت، مجرم باید در هر اقرار، به صراحت و وضوح از ارتکاب زنا خبر دهد. پس اگر در اقرارش بگوید من به حرام نزدیکی کرده‌ام، کافی نیست و مستوجب حدّ نمی‌شود، بلکه باید به تفصیل و صراحت بگوید که من زنا کرده‌ام. (نووی، بی‌تا: ۷/ ۳۱۵؛ انصاری، ۱۴۱۸: ۲۷۴/۲) مقرّ باید عاقل و بالغ باشد و اقرار صبی دروغ است. چون جرم در

حق او قابل اثبات و انتساب نیست. علاوه بر این، اقرار باید شفاهی انجام شود و کتابت اقرار، و لو از شخص لال، پذیرفتنی نیست. (کاسانی، ۱۴۰۹: ۴۹/۷) البته در دیدگاه فقهای حنبلی، اقرار لال (اداء و اشاره) در صورتی که قابل فهم باشد و بر انجام زنا دلالت نماید، پذیرفتنی است. (بهوتی، ۱۴۱۸: ۱۲۷/۶)

۲-۲- اثبات زنا با بیّنه

۲-۲-۱- تعداد شهود

در اثبات زنا با بیّنه هیچ اختلافی بین فقهای امامیه وجود ندارد و شهادت چهار مرد برای آن کفایت می‌کند، بلکه اجماع محصل و منقول بر آن وجود دارد، (حائری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۴۶۰) به علاوه این که این آیه قرآن «وَالَّذِينَ يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً» (نور/۴) و روایات مستفیض بر آن دلالت دارد، بلکه ظاهر این است که با شهادت سه مرد و دو زن نیز چنانچه مشهور به شهرت بسیار است، اثبات می‌شود. (حلبی، ۱۴۱۷: ۶۲۴) چراکه روایات معتبر مستفیضی وجود دارد که در برخی از آنها آمده است: «برای سنگسار شهادت سه مرد و دو زن کفایت کرده و سنگسار جایز است». (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۳۵۳/۲۷)

شهادت زنان به صورت منفرد در سنگسار و در مطلق حدّ حتی اگر زیاد باشند، قابل قبول نبوده و با شهادت یک مرد و شش زن نیز ثابت نمی‌شود. در این مسأله اختلافی بین فقها نیست. (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۵۱/۶) آنچه از مشهور فقها نقل شده است که شهادت دو مرد و چهار زن قبول می‌شود، به وسیله آن تازیانه اثبات می‌شود و نه سنگسار. (حلی، ۱۴۱۳: ۷۱۵؛ طوسی، ۱۴۰۰: ۶۹۰؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۳۱/۳؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۰: ۱۴۰/۳؛ حایری طباطبایی، ۱۴۱۸: ۴۶۲)

در فقه اهل سنت گفته شده که با توجه به آیات متعدّد قرآن در باب شهادت بر زنا (نساء/۱۵؛ نور/۴)، شهود زنا باید چهار نفر مرد باشند. (کاسانی، ۱۴۰۹: ۴۸) می‌توان گفت فلسفه

تعدد شهود این است که وقوع زنا مستور بماند تا از افشاء و تشییع فحشا جلوگیری شود.

۲-۲-۲- شهادت تفصیلی

شاهدان باید و حتماً در شهادتشان بر زنا ذکر کنند که ارتباط جنسی مرد و زن را طبق شرایطی که در فقه تعیین شده دیده‌اند، بدون اینکه بین زن و مرد عقدی و یا ملکیت و یا شبه ملکیتی وجود داشته باشد. (نجفی، ۱۴۰۵: ۲۹۸/۴۲) در این مسأله اختلاف قابل توجهی بین فقهای شیعه وجود ندارد و شاید این شرایط به خاطر احتیاط در حدود باشد که مبنای آن بر تخفیف است و از این‌رو با شبهه ساقط می‌شود. سخنان امام صادق (ع) در روایت صحیح حلی با همین مضمون آمده است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۹۴/۲۸)

در فقه اهل سنت نیز گفته شده که شهود بایستی به طور تفصیلی به وقوع رابطه جنسی بین مرد و زن زانی و رؤیت عمل جنسی (ادخال) تصریح نمایند. (قرطبی، ۱۴۱۵: ۳۶۰؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۱۴۹؛ ابن قدامه، بی‌تا: ۹۰/۴؛ اصبحی، بی‌تا: ۲۴۴)

۲-۲-۳- عدم اختلاف شهود

در فقه امامیه اگر شاهدان متعرض به زمان و مکان انجام فعل نشوند و ذکر آن از نظر فقها لازم باشد و در اکراه و رضایت نیز اختلاف داشته باشند به گونه‌ای که نتوان بین آن نظرات را جمع کرد، مگر با قائل شدن به تعدّد فعل، پس در این صورت عدم قبولی شهادت نیکو خواهد بود. (نجفی، ۱۴۰۵: ۳۰۳/۴۲؛ حلی، ۱۴۱۳: ۲۵۱/۲؛ مکی عاملی، ۱۴۱۴: ۳۳۸؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۰: ۳۵۵/۱۴)

در فقه اهل سنت شهود نباید در بیان زمان و مکان و کیفیت وقوع زنا اختلاف نظر داشته باشند. (اصبحی، بی‌تا: ۲۴۷) حنفیه معتقدند قاضی باید از شهود در خصوص زمان و مکان و شخص مزنی‌بها سؤال نماید تا مبدا مشمول مرور زمان

شده باشد یا زنا در خارج از حاکمیت اسلام واقع شده یا چه بسا مزنی بها همسر قانونی زانی بوده باشد. (اندلسی، ۱۲۵۵: ۱۴۷/۱۱) همچنین، شهود باید به کیفیت زنا و اینکه زن (مزنی‌بها) رضایت داشته یا مکره بوده، اتفاق نظر داشته باشند (نووی، بی‌تا: ۳۱۶؛ شربینی، ۱۳۷۷: ۱۵۱؛ ابن قدامه، بی‌تا: ۱۸۴)

۲-۲-۴- حد خوردن شاهدان در صورت عدم حضور برای اقامه شهادت در یک زمان

اگر برخی از شاهدان در وقت عدم حضور دیگر شاهدان اقامه شهادت کنند، به گونه‌ای که ارکان شهادت آن‌ها به هم متصل نباشد، به خاطر قذف حدّ خواهند خورد و منتظر بقیه شاهدان نمی‌شوند، زیرا در انجام حدّ تأخیری وجود ندارد. در این مسأله اختلافی بین فقهای شیعه وجود ندارد. (نجفی، ۱۴۰۵: ۵۴۸/۴۲)

البته بین فقهای اهل سنت در صحت لزوم حضور همه شهود در یک مجلس واحد برای ادای شهادت یا شهادت به طور متفرق اختلاف نظر هست. فقهای حنفیه شهادت در یک مجلس واحد را لازم می‌دانند، ولی فقهای شافعی شهادت در یک مجلس واحد را ضروری نمی‌دانند. (سرخسی، ۱۴۰۶: ۹۰)

۲-۲-۵- عدم تأثیر قدیمی شدن موضوع زنا بر شهادت شاهدان

گذر زمان و قدیمی شدن انجام زنا (مرور زمان)، ضرری بر شهادتی که موجب اقامه حدّ است، نمی‌زند زیرا ادله حجیت شهادت اطلاق دارد، البته در برخی روایات آمده است که اگر شش ماه بیشتر باشد، شهادت مورد قبول واقع نمی‌شود. (نجفی، ۱۴۰۵: ۳۰۴/۴۲)

فقهای اهل سنت، در خصوص مرور زمان نیز اختلاف نظر دارند. مذاهب شافعی و مالکی به مرور زمان اعتقادی ندارند. آن‌ها معتقدند عدالت شهود امری ثابت و بسیط است. یا

هست یا نیست و تأخیر در ادای شهادت در عدالت احراز شده آن‌ها تأثیر ندارد. بنابراین، اگر زنا در سال‌های گذشته رخ داده باشد، شهادت شهود پذیرفتنی است. (نووی، بی‌تا: ۳۱۵؛ اندلسی، ۱۴۰۸: ۱۴۴) در حالی که فقهای حنبلی معتقدند که در جرایم زنا و سرقت و شرب خمر (حق الله)، مرور زمان (در خصوص شهادت شهود) پذیرفتنی است. (کاسانی، ۱۴۰۹: ۴۶؛ بارعی و زیعلی، ۱۳۱۳: ۱۸۸/۳) قابل ذکر است که در مکتب حنفی، که قائل به مرور زمان هستند، مدتی را برای این امر تعیین نکرده‌اند و ابوحنیفه آن را به اجتهاد هر قاضی، در هر دوره زمانی سپرده است، ولی در این میان، ابویوسف مدت مرور زمان را یک ماه پس از گذشت وقوع جرم تعیین کرده است. (کاسانی، ۱۴۰۹: ۴۶)

نتیجه‌گیری

براساس تطبیق تعاریف مذاهب خمس از زنا اختلاف چندانی بین نظرات فقها مشاهده نمی‌شود. با بررسی مفصل دیدگاه‌های فقهای مشهور متقدم و متأخر همچنین فقهای معاصر امامیه و بررسی دیدگاه‌های اختصاصی فقهای مذاهب اربعه درخصوص ادله اثبات حد زنا و تطبیق دیدگاه‌ها این نتیجه حاصل شد که با وجود اختلاف نظرهای ظاهری که به دلیل اطلاق آیات و روایات مربوطه بین فقهای امامیه و فقهای اهل سنت مشاهده می‌شود، در بسیاری از موارد بین فقهای خمس اتفاق نظر وجود دارد.

فقهای امامیه در مورد شرایط اقرارکننده به زنا و تعداد اقرار او که باید چهار مرتبه باشد اختلافی ندارند ولی در مورد این که چهار بار اقرار در یک جلسه باشد یا در جلسات مختلف اختلاف نظر دارند. در بیشتر موارد دلیلشان اجماع و ادله فقهی (استصحاب، برائت) است ولی بین فقهای اهل سنت در تعداد اقرار که یک بار کفایت می‌کند یا باید چهار بار باشد، اختلاف نظر است.

در بحث بینه نیز بین فقهای اهل سنت در صحت لزوم حضور همه شهود در یک مجلس واحد برای ادای شهادت یا شهادت به طور متفرق اختلاف نظر هست. اما در امامیه همگی متفق‌اند که شهادت باید در یک مجلس باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش متن توسط نویسنده نخست و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط سایر نویسندگان این مقاله صورت گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (۱۴۰۴). *من لایحضره الفقیه*. چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
- ابن قدامه، عبدالله بن احمد (بی‌تا). *المغنی ویلیه الشرح الکبیر*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. چاپ سوم، بیروت: دار صادر.
- ابوالبرکات، احمد دردیر (بی‌تا). *شرح الکبیر*. بیروت: دار احیاء الکتب العربیه.

- ازدی سجستانی، سلیمان بن اشعث (۱۴۱۹). سنن ابی داود. بیروت: دار ابن حزم.
- اصبحی مدنی، مالک بن انس (بی تا). المدونه الکبری. مصر: السعاده، مصر.
- اندلسی، علی بن احمد (۱۴۰۸). المحلی بالآثار. چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- انصاری، زکریا (۱۴۱۸). فتح الوهاب. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بارعی، عثمان بن علی و الزیلعی، فخرالدین (۱۳۱۳). تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق و حاشیه شلبی. قاهره: مطبع الکبری الامیریه.
- بهوتی، منصور بن یونس (۱۴۱۸). کشف القناع. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- جبعی عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶). ترمینولوژی حقوق. چاپ هفدهم، تهران: گنج دانش.
- حائری طباطبایی، سید علی بن محمد (۱۴۱۸). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة. قم: مؤسسه آل البيت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حلبی، حمزه بن علی (۱۴۱۷). غنیة النزوع الی علمی الاصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). قواعد الاحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- سرخسی، شمس الدین (۱۴۰۶). المبسوط. بیروت: دار المعرفة.
- شربینی الخطیب، شیخ محمد (۱۳۷۷). المغنی المحتاج. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- شوکانی، محمد بن علی (۱۲۵۵). نیل الاوطار. بیروت: دار الجیل.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸). المبسوط فی فقه الامامیه. نجف: مکتبه المرتضویه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. چاپ اول، بیروت: دار الکتاب العربی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). الخلاف. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عکبری البغدادی، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). المقنعه. چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۴۱۵). بدایه المجتهد و نهایه المقتصد. بیروت: دارالفکر.
- کاسانی، علاء الدین (۱۴۰۹). بدایع الصنایع. پاکستان: المکتبه الحبیبه.
- مالکی، شهاب الدین احمد (۱۹۹۴). الذخیره. چاپ اول، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مکی عاملی، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۴). غایه المراد فی شرح نکت الارشاد. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.
- نجفی، محمد حسن بن باقر (۱۴۰۵). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. چاپ دوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- نووی، ابوزکریا محیی الدین (بی تا). المجموع فی شرح المذهب. بیروت: دارالفکر.